

جستارهایی دربارهٔ عقلانیت

گزینش و ویرایش
سید احمد موسوی خوئینی

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: موسوی خوئینی، سیداحمد، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور: جستارهایی درباره عقلانیت / گزینش
و ویرایش سیداحمد موسوی خوئینی.
مشخصات نشر: تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.، ۱۴/۱۴۵/۲۱۵۵/۵ م.س.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۷۹۴-۶-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه.
موضوع: عقل گرایی -- مقاله ها و خطابه ها
موضوع: عقل -- مقاله ها و خطابه ها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴: ۵۸۳۳/۸
رده بندی دیویی: ۱۴۹/۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۹۹۱۷

جستارهایی دربارهٔ عقلانیت

ناشر: ترجمان علوم انسانی

مؤلف: گزینش و ویرایش:

سید احمد وسوی، خوئینی

رجحان: علی باقری

صفحه‌ها: سید مرتضی عامر

ناشر: ترجمان

نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۷

اول، پاییز ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ترجمان: تهران، خیابان نجات‌اللهی، خیابان اراک،

پلاک ۴۶، طبقه ۴، تلفن: ۸۸۸۰۲۰۹۰

پست الکترونیک: publication@tarjomaan.com

tarjoman.nashr@gmail.com

حقوق چاپ و نشر در قالب‌های کاغذی،

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.



فهرست

- ۷ مقدمه
- ۱۳ «ضعف» عقل در عصر روشنگری
جورجیو تونلی یاسر خوشنویس
- ۴۳ بیان عمده‌ای از مقاله «پرسش وجود» هایدگر
جوان پی فل زینب انصاری
- ۸۹ «عقلانیت» و «عقلانیت‌ها» در قال مباحثه مدرنیسم و پست مدرنیسم
انا کوچردی زینب انصاری
- ۱۰۳ تفکر انتقادی، پست مدرنیسم و اندیشه‌های عقلانی
دانلد چپر محسن ملکی
- ۱۲۹ اندیشه کی‌یرک‌گور-رباره عقلانیت
مریلین گای پیتی سید احمد مورری خورشیدی
- ۱۵۳ عقل و شهود در فلسفه پدیدگی
کارسون چنگ احمد قطبی میمند
- ۱۷۷ جایگاه عقل در فلسفه هندو، کلاسیک و معاصر
سک مایترا رشوف نصرتیان
- ۲۰۹ متافیزیک شرقی
زنه گنون احمد قطبی میمند
- ۲۳۱ نمایه

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿ مقدمه ﴾

مقالات پیش رو، در سال ۹۲، به تدریج در قالب پرونده‌ای درباره عقلانیت، بر روی وب‌گاه ترجمان قرار گرفتند. این مقالات پیوندی زنجیره‌ای با یکدیگر ندارند و هر یک به‌اساس به‌طریق بحث مقاله پیش از خود نیست؛ اما پیوندی بافتاری میان آن‌ها وجود دارد. به‌گونه‌ای که تمام مقاله‌ها از مسائل مشترکی بحث می‌کنند و مجموعه آن‌ها گویی شبیه به یکدیگر دارند. بحث اصلی این مقالات درباره معضلات عقلانیت مدرن و سپس نقد عقلانیت پست‌مدرن است. کوشش نویسندگان این کتاب از یک طرف مرزهای عقلانیت مدرن را نشان دهند و از طرف دیگر، اصولی برای بازسازی تئریه عقلانیت ارائه کنند، به گونه‌ای که نه گرفتار جزم‌اندیشی شود نه گرفتار نسبی‌گرایی. بنابراین محتوای تمام مقالات در معارضه با مسائلی از قبیل خودبنیادی عقل، نسبی بودن عقلانیت و ناممکن بودن انتخاب عقلانی شکل می‌گیرد. با این توضیح گسترده‌تری عمومی این مقالات بررسی ضعف‌های عقلانیت مدرن و نقد نسبی‌گرایی پست‌مدرن است. مقاله‌های این کتاب در دو دسته تنظیم شده‌اند. دسته اول آن‌ها است که درباره عقلانیت مدرن و معضلات آن، در چهارچوب فلسفه غرب بحث می‌کنند؛ دسته دوم درباره برداشت‌هایی از عقلانیت است که خارج از چهارچوب اندیشه فلسفی غربی شکل گرفته‌اند.

جورجیو تونلی، مورخ مشهور تاریخ روشنگری، در مقاله «ضعف عقل در عصر روشنگری»، نتیجه تحقیقات ده‌ساله خود درباره روشنگری را جمع بندی می‌کند

تا نشان دهد اصلی‌ترین ویژگی متفکران عصر روشنگری، بصیرت آن‌ها درباره حدود عقل و مرزهای اندیشه بشری بوده است. این مقاله نقد برداشتی از دوره روشنگری است که همچنان در فضای تفکر ما جاری و بلکه غالب است. مطابق این تلقی رایج، عصر روشنگری با شعار «جسور باش در دانستن» شناخته می‌شود؛ عصری که متفکرانش خوشبینانه، به توانایی بی‌حد و مرز عقل بشری باور داشتند و معتقد بودند زمان رهایی عقل از قید و بندها و قدم برداشتن در مسیر کشف رازهای طبیعت به کمک عقل تنها فرا رسیده است. تونلی معتقد است چنین برداشتی ناشی از چشم پوشیدن از جزئیات است. وی یافتن اصلی متفکران عصر روشنگری حد و مرز داشتن عقل است نه ایمان به توانایی بی‌حد و مرز عقل. تونلی برای نشان دادن این گرایش، پس از ذکر لاجالی تفاوت ماتی درباره تفکیک روشنگری از پیشاروشنگری و تفاوت میان روشنگر المانی انگلیسی و فرانسوی، آراء و گرایش‌های متفکران عصر روشنگری درباره این موضوعات را بررسی می‌کند: نگاه متفکران این دوره نسبت به گذشتگان خود، معرفت به اشیا که فراتر از تجربه انسانی هستند، امکان کسب معرفت به اشیاء آنچنان که هستند، شناخت جوهر، مسئله بافتار درونی اجسام، معرفت به علل، امکان دستیابی به نظام، مفهوم عدم تناهی. جوزف پی فل در مقاله «بحران عقل، فرائد انسانیت پرسش وجود هایدگر»، نامه هایدگر به ارنست یونگر را بازخوانی می‌کند و نتیجه این بازخوانی، شرح مفصلی از راه حل هایدگر برای بحران عقل در دوره نیمه سده بیستم ارائه می‌دهد. او معتقد است نباید نقد هایدگر از عقل را رویگردانی از عقل بماند. هر قدر ملق کنیم هدف هایدگر همان هدف کانت و هوسرل در بنیان‌گذاری و اعتبار بخشی مجدد به عقل است. هایدگر این اعتبار بخشی را از طریق یادآوری وجود به‌عنوان بنیاد عقل ممکن می‌داند و این یادآوری فقط از طریق تجربه عمیق نیهیلیسم امکان‌پذیر است. مطابق خوانش فل، تفکر مبتنی بر یادآوری، هم بنیادی را آشکار می‌کند که به عقل اعتبار می‌بخشد، هم از محدودیت‌های عقل پرده برمی‌دارد. عبور از نیهیلیسم با یادآوری بازگشودگی پیشین اشیا به‌عنوان

بنیاد تعقل ممکن است. یادآوری این بنیاد قدرتی محدود اما واقعی به عقل می‌دهد و نشان می‌دهد که فراموش کردن آن بنیاد، کاری که عقلی تکنولوژیک می‌کند، چگونه می‌تواند نتیجه‌ای ویرانگر در پی داشته باشد. این مقاله دست‌کم از دو جنبه جذاب است: نخست، با بازخوانی نوشته‌ای از هایدگر، روایتی روشن از اهداف و ایده‌های فلسفه هایدگر ارائه می‌دهد؛ دوم، نقد هایدگر را از عقلانیت به معنای انهدام پایه‌های عقلانیت نمی‌داند؛ برعکس، آن را تلاشی برای بازسازی عقلانیت تلقی می‌کند.

دکتر کوچوردی، فیلسوف ترکیه‌ای و رئیس کرسی فلسفه حقوق بشر یونسکو، در مقاله «عقلانیت و عقلانیت‌ها در قالب مباحثه مدرنیسم و پست مدرنیسم»، این ادعای اندیش‌مدان پست مدرن را که عقلانیت‌های مختلفی وجود دارد، نقد می‌کند. کوچوردی پیشنهادی را که تصور رایج از عقلانیت مدرن را مرور می‌کند و اشاره می‌کند که به بیان آن، فلسفه غربی در قرن بیستم، بیش از آنکه متأثر از نگاه روشنگری به عقلانیت و روشنگری شد، تحت تأثیر دو جریان پراگماتیسم و مارکسیسم بوده است. به نظر او، مسئله وجه مشترک این دو جریان در سه چیز است: تصور علمی از جهان، تصدیق پوزیتیویستی از انسان، اعتقاد به اصل «همه چیز جایز است». بنابراین عقلانیت غربی در قرن بیستم، این سه مولفه را دارد. به نظر کوچوردی معارضه با عقلانیت و باور به عقلانیت‌ها ناشی از معادل‌پنداری عقلانیت با عقلانیت غربی است. از نظر کوچوردی این معادل‌پنداری غلط است و ادعای وجود عقلانیت‌ها مانند «شناخت‌های فکری متعددی می‌شود».

داندل هچر در مقاله «تفکر انتقادی، پست مدرنیسم و ارزشیابی عقلانیت» نسبی‌گرایی و بافتارگرایی معرفت‌شناسی‌های پست مدرن را نقد می‌کند. هچر می‌خواهد از تفکر انتقادی و وجود معیارهایی ثابت برای گفتگوی عقلانی دفاع کند. به نظر او تفکر انتقادی حد میانه مبنای گروهی دکارتی و نسبی‌انگاری پست مدرن است. نویسنده با اصل قراردادن فعالیت گفتگو، می‌کوشد اصول هر گفتگوی معناداری را اثبات کند و بعد با اعمال آن اصول بر

معرفت‌شناسی پست‌مدرن، نشان دهد که بافتارگرایی معرفتی و ادعای نسبی‌بودن معیارهای عقلانیت ادعایی نادرست و خودشکن است.

میرلین گای پیتی در مقاله «اندیشه کی‌یرکگور دربارهٔ عقلانیت»، مبتنی بر آراء کی‌یرکگور، طرحی برای نظریهٔ عقلانیت ارائه می‌کند که نه گرفتار معضلات عقلانیتِ روشنگری باشد نه گرفتار نسبی‌گرایی. مقالهٔ پیتی نشان می‌دهد که تصور رایج ما از کی‌یرکگور، به عنوان متفکری عقل‌ستیز، تصویری نادرست است. پیتی ابتدا اشاره می‌کند که مباحثات دربارهٔ عقلانی بودن انتخاب‌های انسان یا به این نتیجه رسیده است که انتخاب عقلانی ممکن نیست، زیرا معیارهای عقلانیت نسبی هستند، یا به این نتیجه رسیده است که انسان می‌تواند میان چهار چوب‌های معرفتی، حرکتی معقول داشته باشد اما این حرکت نتیجه انتخاب نیست بلکه حرکتی تکاملی است. سپس توضیح می‌دهد که چگونه تجربهٔ انسانی زنده‌هایی نظیر رنج، به انسان نشان می‌دهد که چهارچوب معرفتی او ناسند است و باید چهارچوب معرفتی دیگری را برگزیند. براین اساس، انسان‌ها چهار چوب معرفتی خود را هم انتخاب می‌کنند و هم عقلانی انتخاب می‌کنند.

کارسون چنگ در مقاله «عقل و شه در اندیشهٔ چینی»، جایگاه شهود و عقل در اندیشهٔ چینی را بررسی می‌کند. او رضمن بیان سیری از تاریخ متفکران چینی، مراحل دستیابی به معرفت در اندیشهٔ «انسان‌ها را بررسی می‌کند و اینطور نتیجه می‌گیرد که شهودگرایی در اندیشهٔ چینی سه مولفهٔ عقلانی، آزادی، احساسی را در خود جمع می‌کند. بنابراین معرفت والا نتیجهٔ جمع این سه عنصر است.

سک مایترا در مقاله «جایگاه عقل در فلسفهٔ هندو»، مروری بر آثار متفکران کلاسیک و جدید فلسفهٔ هندو می‌کند. محور بررسی هر متفکر بررسی جایگاه عقل در اندیشهٔ او است. نویسنده تأکید می‌کند که در فلسفهٔ هندو، عقل جایگاهی مقبول، اما محدود دارد. در اندیشهٔ متفکران هندو، برای دریافت حقایق اصیل باید از حدود عقل فراتر رفت زیرا در نظر آن‌ها عقل در حدود

زندگی روزمره و دنیوی مفید است، یعنی برای رسیدن به اهداف عمل‌گرایانه سیاسی و اجتماعی. بنابراین دیدگاه متفکران هندو در تعارض با عقل نیست، بلکه در تعارض با توانایی عقل برای رسیدن به حقایق اصیل است. رنه گنون در مقاله «متافیزیک شرقی»، چهارچوب اصلی عقلانیت مطلوب خود را شرح می‌دهد. گنون می‌کوشد متافیزیک را به درستی تعریف کند تا نشان دهد عقلانیت مدرن متافیزیک حقیقی را فراموش کرده است. مطابق تعریف گنون، متافیزیک دغدغه دانستن حقیقت را دارد، دانستی که با آن، انسان آن چیزی می‌شود که می‌داند. گنون سپس مراحل تحقق چنین معرفتی را بر مبنای فلسفه ارسطو شرح می‌دهد.

لازم می‌دانم دوستانی که در انتخاب مقاله‌ها و بازبینی ترجمه آن‌ها همکاری کردند تشکر کنم: از علی‌اکبر شفا، سید ضیاء‌الدین حسینی، مجتبی اعتمادی‌نیا و مرضیه افراسیابی. همچنین بزرگواران حمایت و تشویق مرتضی روحانی، دوست عزیز و مدیر انتشارات ترجمان علوم، سانی هستم که در تمام مراحل تهیه این کتاب مرا همراهی کرد.